

نظری به ضرورت و اهمیت بررسی مدیریت کلاس درس

تقی آقاسینی

مقدمه:

موفقیت آمیز نسبت به مشکلات رفتاری دانش آموزان واکنش نشان می دهد (گود و برافی^(۳)، ۱۹۸۷).

پژوهش های مربوط به مدیریت کلاس درس نشان می دهد که هر چه معلمان از رفتارهای بازدارنده و سبک مدیریتی مناسب، بیشتر استفاد کنند از اثربخشی و کارایی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. این یافته ها مؤید این است که دانش آموزان کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای غربی کم تر مرتکب رفتارهای غیر اخلاقی و نامناسب می شوند و با این وجود تعداد قابل توجهی از معلمان این کشورها فعالیت های آموزشی خود را کم تر با استفاده از یک سبک مدیریتی اثربخش انجام می دهند. بنابراین توجه به مدیریت کلاس درس، نحوه ی اداره ی کلاس ها و به کارگیری بهترین و مطلوب ترین سبک مدیریتی امری حیاتی و ضروری است (نیتسایسوک و آندرسون^(۴)، ۱۹۸۹).

بیان مسأله

کلاس درس به عنوان یک سیستم اجتماعی، مجموعه ای از نقش های بهم پیوسته ای است که به صورت یک کل واحد و منسجم درصدد تحقق اهداف آموزشی و پرورشی است. کلاس درس مانند سایر سیستم های اجتماعی دارای عناصر اساسی شامل باورها، احساسات، قواعد و مقررات، هنجارها، پایگاه نقش، قدرت، مقام، تسهیلات، اجرائیات، تنش و فشار است (لومینز^(۵)، ۱۹۶۰). عناصر تشکیل دهنده ی کلاس درس آن قدر به یکدیگر وابستگی متقابل دارند که جدا از هم قابل تشخیص نیستند. در هم این عناصر را در هر فعالیتی در درون کلاس می توان مشاهده نمود (هنسن^(۶)، ۱۳۵۸).

کلاس درس خط مقدم فعالیت های آموزشی، تربیتی و جایگاهی برای آماده نمودن افراد برای زندگی در جهان در حال تغییر است. کلاس درس محلی است که خدماتی مستقیم به دانش آموزان ارائه می شود تا آنان از جهت فردی و اجتماعی رشد یافته و زمینه ی توسعه ی همه جانبه ی جامعه فراهم گردد (راگ^(۱)، ۱۹۹۷).

معلمان در کلاس درس مسؤول اداره کردن، راهبردهای تدریس و یادگیری، ایجاد نظم و ترتیب، استفاده از منابع و مواد کمک آموزشی، زمان بندی، ایجاد جو یادگیری مطلوب و اثربخش، رابطه ی سازنده با دانش آموزان و انجام ارزشیابی های پیشرفت تحصیلی هستند. انجام این فعالیت ها با سبک و الگوهای متعدد و متنوعی انجام می شود که هر کدام با توجه به موقعیت کلاس از اثربخشی های متفاوتی برخوردارند (کیامنش، ۱۳۸۲).

اداره ی کلاس درس، ایجاد نظم و تدریس مستلزم برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت و رهبری، ایجاد انگیزش، کنترل و ارزشیابی است. بنابراین معلمان در حیطه ی کلاس درس مدیرانی هستند که باید کارکردهای مدیریت را با توجه به شرایط و موقعیت انجام دهند تا تحقق اهداف آموزشی و تربیتی به صورت اثربخش و کارآ ممکن گردد.

توجه به معلمان با این رویکرد دیدگاهی جدید ولی به نسبت توسعه یافته است. در این دیدگاه معلمان، مدیرانی هستند که برای حفظ نظم و کنترل کلاس درس و فعالیت های آموزشی سبک مدیریتی خاصی را به کار می گیرند. دارا بودن مهارت های مدیریتی یکی از توانایی های ضروری شغل معلمی است که کمتر به آن توجه شد است (دیوید برلینر^(۲)، ۱۹۹۹).

فعالیت های مربوط به مدیریت کلاس درس شامل رفتارهای بازدارنده و واکنشی است و رفتارهای بازدارنده ی معلم از بی نظمی و مشکلات جلوگیری می نماید. در رفتارهای واکنشی به گونه ای

1 - Wragg 2 - David Berliner

3 - Good & Bruffy

4 - Nitsaisuk & Anderson

5 - Luminze

6 - Hanson

تحقق اهداف تربیتی در کلاس درس مانند دیگر سازمان‌های اجتماعی مستلزم مدیریتی اثربخش و کارآ از طریق انجام وظایفی چون برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، ایجاد انگیزش، کنترل و ارزشیابی است.

مسئولیت اداره‌ی کلاس و تحقق اهداف به‌عهده‌ی معلم است. بنابراین معلمان در نقش مدیر کلاس ایفای نقش می‌نمایند (راگ، ۱۹۹۷). مدیریت کلاس درس در واقع موضوع ایجاد اشتراک مساعی در ارتباطات موجود در کلاس درس است. روابط بین معلم و شاگرد، تنوع هنجارها، قوانین و مقررات و نقش‌های رهبری معلمان در کلاس با یکدیگر متفاوت است.

معلمان در نقش تسهیل‌کننده، مشاوره یا دستوردهنده ظاهر می‌شوند. بنابراین سیستم‌های اجتماعی در کلاس درس دارای ساختار خاصی می‌گردند که هر کدام نتایج پرورشی خاصی را به‌دنبال خواهد داشت (جویس، ویل، شاورز^(۱)، ۱۹۹۲). مدیریت کلاس درس، کار کردن با دانش‌آموزان، ایجاد نظم و آرامش، جلب توجه دانش‌آموزان و تأمین یک جو آموزشی مناسب است که در آن دانش‌آموزان به‌سمت اهداف هدایت و رهبری می‌شوند (رتوفی، ۱۳۷۷). مدیریت کلاس درس تهیه‌ی تدارکات و اتخاذ شیوه‌های لازم برای ایجاد و حفظ محیطی اثربخش برای آموزش و یادگیری است که بستگی به‌چگونگی سازمان‌دهی کلاس درس، تدریس، چگونگی ارزشیابی، دلایل انگیزش رفتار دانش‌آموزان، ایجاد جو یادگیری مطلوب و سبک‌های مدیریتی معلم دارد (داتیل دیوک^(۲)، ۱۹۸۹).

یکی از عوامل اثربخشی معلم در اداره‌ی کلاس درس ایجاد جو یادگیری اثربخش است (بلغمن^(۳)، ۲۰۰۱). معلمانی که قادر باشند فضای کلاس درس را به‌فضایی مطلوب و انگیزشی تبدیل کنند، نظم و انضباط پویایی را در کلاس ایجاد خواهند کرد (دسی و بلیک^(۴)، ۲۰۰۰).

پژوهش‌های (آین‌لی، گلاس، وینستین، ۱۹۸۷) در مورد تأثیر محیط فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شواهد تأییدکننده‌ی بسیار کمی را نشان داد. در صورتی که تحقیقات متعددی نشانگر تأثیر مستقیم جو روانی کلاس بر میزان یادگیری دانش‌آموزان است.

(آندسون، والبرگ^(۵)، ۱۹۸۷) و جو روانی کلاس رابطه‌ی

مستقیمی با سبک مدیریتی معلم کلاس دارد. معلم با انتخاب یک سبک مدیریتی متناسب، کلاس جذاب می‌آفریند که بین او و شاگردان روابطی مثبت و پویا برای یادگیری بیشتر حاکم می‌گردد. در جو روانی کلاس، عاطفه، وظیفه و سازمان‌دهی کلاس درس نقش اساسی در یادگیری دانش‌آموزان دارد. معلمان با ترکیب این سه عنصر، کلاس‌های جذاب، وظیفه‌مدار و کاملاً سازمان یافته دارند.

در کلاس‌های جذاب بین معلم و شاگرد روابطی مثبت و پویا همراه با احترام متقابل، مشارکت و رضایت درونی برقرار است. این کلاس‌ها متوجه اهداف مشخصی هستند و معلم و شاگرد با صرف زمان و توجه روانی مسؤول تحقق اهداف هستند. سرانجام در کلاس‌های سازمان‌یافته انتظارات رفتاری و یادگیری کاملاً واضح و روشن است و معلم ساختار مناسبی را برای تدریس و آموزش مفاهیم و موضوع‌های درسی فراهم نموده است (آندرسون، ۱۹۸۷).

چگونگی شیوه‌ی ارزشیابی به‌عنوان یکی از حلقه‌های فرایند مدیریت کلاس درس بر روی چگونگی تدریس، ایجاد نظم و انضباط، سبک مدیریتی معلم، قوانین و مقررات و روابط معلم و شاگرد تأثیر می‌گذارد. (ولفانگ و گلیکمن^(۶)، ۱۹۸۶) معتقدند که معلم بخشی از سیستم اجتماعی کلاس درس است که وظیفه‌ی او اداره‌ی کلاس، ایجاد نظم و انضباط، آموزش اثربخش و ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است.

در شکل‌گیری نظام اجتماعی کلاس درس، دانش‌آموزان دارای نقش عمده‌ای هستند. پژوهش‌های (ریان و کنل^(۷)، ۱۹۸۹)، دسی^(۸)، پیرسون^(۹)، توماسون^(۱۰)، نشان داد که رفتار دانش‌آموزان بر روی سیستم اجتماعی کلاس درس تأثیر دارد. از طرفی دانش‌آموزان برای انجام تکالیف درسی خود دلایل متنوع و متعددی دارند، به‌نظر این صاحب‌نظران دلایل فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان را در کلاس درس می‌توان به‌کنترل بیرونی، کنترل درونی شده، کنترل شخصی و انگیزش درونی تقسیم نمود.

- | | |
|----------------------------|--------------------------|
| 1 - Joyce & Weil & Showers | 2 - Datile Duke |
| 3 - Blegman | 4 - Dece & Blake |
| 5 - Walberg | 6 - Volfange & Glicklman |
| 7 - Ryane & Connol | 8 - Deci |
| 9 - Pearson | 10 - Thomson |

مکاتب مختلف مدیریت نسبت به سازمان و شیوه‌ی برخورد با زیردستان رویکردهای خاصی دارند. معلمان نیز نسبت به کلاس درس و شاگردان رویکردهای خاصی دارند. مدیریت کلاسیک، کلاس درس را یک سازمان رسمی و مجزای از محیط در نظر می‌گیرد که دارای قوانین و مقررات خاصی است. در این دیدگاه معلم درس‌نگر بوده و با به‌کارگیری سبک وظیفه‌مداری سعی می‌کند کلاس را مقتدرانه کنترل نماید.

رفتار معلم در این سبک قیم‌مآبانه، خشک و کنترل شده است. جریان قدرت و ارتباطات نیز یک‌طرفه و از معلم به دانش‌آموز است. دانش‌آموزان در این کلاس‌ها حالت انفعالی دارند و دستورات را می‌پذیرند. معلمان در این رویکرد کج‌رفتاری دانش‌آموزان را توهین شخصی تلقی نموده و آنان را افرادی غیرمسئول و بی‌انضباطی می‌دانند که باید کنترل شوند (رئوفی، ۱۳۷۷).

مدیریت روابط انسانی کلاس درس را یک سازمان اجتماعی و انسانی در نظر می‌گیرند. در این دیدگاه معلمان بر ایجاد ارتباط با دانش‌آموزان و شخصیت آنان تأکید می‌کنند. در این رویکرد معلمان فردنگر بوده و به‌مسائل انضباطی و کنترل کم‌تر توجه دارند. فردنگری معلمان بیشتر جنبه‌ی جمعی دارد ولی سعی دارند در عین حال به ویژگی‌های منحصر به فرد هر دانش‌آموزی نیز توجه نمایند (رئوفی، ۱۳۷۷).

مطالعات بوژن (۱۹۷۴) نشان داد که معلمان دارای سبک روابط انسانی فردنگر جمعی بوده‌اند و دانش‌آموزان از روحیه‌ی بالایی برخوردارند. معلمان دارای رویکرد سیستمی سعی می‌کنند موقعیت و شرایط کلاس درس را در نظر گرفته و مناسب با موقعیت به‌موضوع درس یا فرد یا هر دو مورد تأکید نمایند.

پژوهش‌های دانشگاه اوهایو نشان داد که سبک‌های درس‌نگری و فردنگری در کلیه‌ی شرایط و همیشه موجب اثربخشی معلم نمی‌شود. اثربخشی هر کدام از سبک‌ها بستگی به شرایط دانش‌آموزان و جو حاکم بر کلاس دارد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشانگر رابطه بین نگرش معلم به دانش‌آموزان با سبک مدیریتی معلمان بود. مطالعات فوق چهار سبک رفتاری مدیریتی را در کلاس درس تحت عناوین سبک فردنگری زیاد با درس‌نگری کم، سبک فردنگری کم و درس‌نگری زیاد، سبک فردنگری و درس‌نگری زیاد و سبک فردنگری و

درس‌نگری کم مشخص نمود (رئوفی، ۱۳۷۷). اداره‌ی کلاس درس همواره با رویکرد دانش‌آموزمحوری، معلم‌محوری با تلفیقی از هر دو مدیریت شده است. سبک معلم‌محوری بیشتر بر پیشرفت تحصیلی و سبک دانش‌آموزمحوری بر حفظ استقلال و کسب مهارت‌های زندگی استوار بوده است. در رویکرد سوم به هر دو بعد توجه می‌شود و در سبک چهارم یعنی عدم توجه به دانش‌آموز و موضوع درس سبکی رها شده است (اسپالدینگ^(۱)، ۱۹۹۰). بلیک و موتن^(۲) سبک‌های مدیریتی معلمان را با توجه به میزان تأکید آن‌ها بر درس با دانش‌آموز با استفاده از مفاهیم و اعداد به پنج سبک (۹-۹) گروهی، سبک (۱-۹) باشگاهی، سبک (۱-۱) سبک رها شده، سبک (۱-۹) وظیفه‌ای، سبک (۵-۵) میان‌های تقسیم نمودند (بلیک، ۱۳۷۰، ص ۱۵).

هرکدام از این سبک‌ها در بعضی از شرایط اثربخش و در شرایط دیگر کم‌تر اثربخش است. آگاهی از شرایط و محیط کلاس، مراحل رشد و ویژگی‌های روحی و روانی دانش‌آموزان در استفاده از سبک مدیریتی خاص و میزان اثربخشی آن مؤثر است (توماس لاندروز^(۳)، ۱۹۸۷).

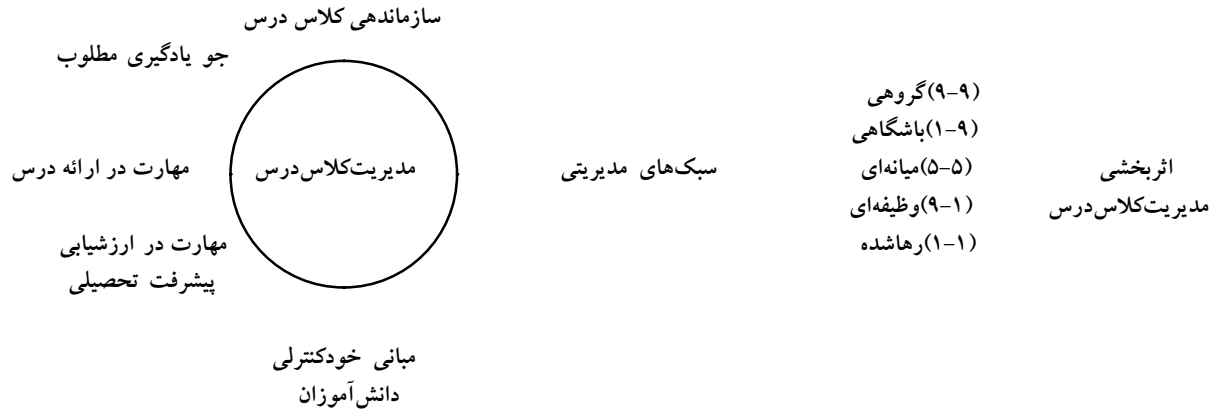
به‌نظر ردین^(۴) سبک مدیریتی معلمی اثربخش است که با موقعیت و شرایط کلاس و نیاز فراگیران مناسب باشد. وی بر اساس تأکید بر موضوع درس یا فرد چهار سبک اساسی مدیریتی و هشت سبک رفتاری را در کلاس درس مشخص نمود. این هشت سبک محصول تعامل سبک اساسی معلم با شرایط کلاس درس است که چهار سبک آن اثربخش و متناسب با شرایط و چهار سبک دیگر غیر اثربخش و نامناسب با شرایط کلاس درس است (رئوفی، ۱۳۷۷). مسأله‌ی اصلی مدیریت کلاس درس بررسی سبک مدیریت کلاس درس معلمان است. کلاس درس را می‌توان به‌عنوان یک نظام اجتماعی در نظر گرفت که نیازمند مدیریت اثربخش و کار است و معلم باید با ایجاد جو یادگیری مناسب، سازمان‌دهی کلاس، آمادگی در ارائه‌ی درس و شیوه‌های ارزشیابی و با در نظر گرفتن مبانی رفتاری دانش‌آموزان سبک مدیریتی مناسبی را اتخاذ نماید. در مدیریت کلاس درس، سبک مدیریتی معلمان با توجه به تأکید آنان بر موضوع درس یا فرد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1 - Spaulding 2 - Blake & Mouten

3 - Thomas Landers

4 - Roddin

مدل مدیریت کلاس درس را می‌توان به صورت زیر نشان داد :



ضرورت و اهمیت

کلاس درس به‌عنوان کوچک‌ترین خرده سیستم نظام آموزشی به تبع تحولات و تغییرات اجتماعی و آموزشی در حال تغییر است. از میان عناصر کلاس درس، نقش معلم و سبک مدیریتی او در تحقق اهداف آموزشی و تربیت دانش‌آموزانی متناسب با جهان امروز بسیار مهم و اساسی است.

هدف از تعلیم و تربیت جنبه‌ی انسانی دادن به تحولات و تغییرات است. کسب مهارت‌های لازم برای زندگی استفاده از اطلاعات، پاس داشتن حرکت انسان‌ها و حقوق دیگران، تقویت مشارکت افراد در امور اجتماعی، چگونه یادگرفتن از طبیعت و جامعه، حفظ هویت فرهنگی، ملی و تحکیم شخصیت و کسب توانایی در مهارت‌های بین فردی از اهم هدف‌های آموزش در کلاس درس است، که رابطه‌ی مستقیمی با سبک مدیریتی معلم در کلاس درس دارد (سرکار آرانی، ۱۳۸۲).

تحقق اهداف آموزشی مستلزم توجه به تغییر و به‌کارگیری سبک مدیریتی کارآ و اثربخش در اداره‌ی کلاس درس است. وظیفه‌ی اساسی معلم در فرآیند یاددهی - یادگیری، آماده ساختن دانش‌آموزان در زندگی فردی و جمعی و جهان رو به پیشرفت و تغییرات سریع است. معلم در کلاس درس باید فرصت کسب مهارت در ابعاد مختلف مانند مهارت در حل مسئله، مهارت در تصمیم‌گیری، مهارت در برقراری روابط انسانی و مهارت در تفکر انتقادی و خلاق را برای دانش‌آموزان فراهم نماید. بنابراین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان محدود به افزایش معلومات و قبولی آنان نیست بلکه کسب مهارت‌های اساسی زندگی در محیطی

کاملاً انسانی و اخلاقی و با به‌کارگیری سبک مدیریتی متناسب با شرایط و وضعیت کلاسی و ویژگی‌های روحی و روانی دانش‌آموزان، یکی از ضروری‌ترین مهارت‌های شغل معلمی است. معلمان در کلاس‌های درس باید سبک‌های مدیریتی را متناسب با ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان و روش‌های تدریس به‌گونه‌ای انتخاب کنند که دانش‌آموزان فرصت کسب انواع مهارت‌ها را از طریق عمل در کلاس درس بیاموزند. روش‌های تدریس فعال، توجه به‌علاق و نیازهای دانش‌آموزان، به‌کارگیری روش‌های حل مسئله‌ی مشارکتی، ایجاد رابطه‌ی سازنده و اثربخش با دانش‌آموزان می‌تواند محیط کلاس درس و فرایند آموزش را شوق‌انگیز و زمینه‌ی تحقق اهداف تربیتی و آموزشی را فراهم نماید.

پژوهش‌های مربوط به مدیریت کلاس درس نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از معلمان در اداره‌ی کلاس خود مشکل دارند. این مشکلات بیشتر به‌صورت عدم انجام تکالیف درسی و عدم پیشرفت تحصیلی متجلی می‌گردد (اچسون و گال، ۱۳۸۹). به‌نظر کارولین اورتون (۱۹۸۷) به‌کارگیری مدیریتی مناسب، تدوین قواعد و مقررات واضح و روشن و اثربخش، تفهیم مقررات به دانش‌آموزان با بیانی ساده و نظارت مداوم معلم بر رعایت قواعد و مقررات در اداره‌ی کلاس‌های دوره‌ی راهنمایی (دوره‌ی اول متوسطه) بسیار اثربخش است. بنابراین معلمان باید برای اداره‌ی کلاس درس شیوه‌های اثربخش و کارآیی را متناسب با شاگردان انتخاب و به‌کار گیرند.

ضرورت و اهمیت نظری بررسی مدیریت کلاس درس معلمان

را باید در تفاوت میزان اثربخشی سبک‌های مدیریتی متفاوت دانست. سبک‌های معلمان با این‌که شباهت‌هایی با یکدیگر دارند ولی تفاوت‌های معنی‌داری در نحوه‌ی به‌کارگیری و میزان اثربخشی آنان مشاهده می‌شود. سبک‌های اقتدارگرایانه، آزمدشانه و مشارکتی در کلاس درس به‌خوبی از یکدیگر قابل تمیز است (کیامنش، ۱۳۸۲).

معلمان به‌دلیل جامعه‌پذیری‌های متفاوت، سطح آگاهی و نگرش‌های گوناگون به‌سازمان کلاس درس، دانش‌آموزان و مفهوم تعلیم و تربیت از سبک‌های مدیریتی متفاوتی استفاده می‌کنند. در مقابل دانش‌آموزان نیز به‌دلیل ویژگی‌های شخصیتی و مبانی انگیزشی و تصوراتشان از معلم و کلاس درس عکس‌العمل‌های متفاوتی را نشان می‌دهند. بنابراین مدیریت کلاس درس یک فرایند کنش و واکنش متقابل بین معلم و دانش‌آموزان است که منجر به‌عملکرد آموزشی خاص می‌گردد.

اداره‌ی کلاس درس مستلزم ارتباط سازنده‌ی معلم با دانش‌آموزان است تا با تعامل با آنان، ویژگی‌های شخصیتی و روحی و روانی این دانش‌آموزان را شناخته و نسبت به‌راهنمایی آنان اقدام نماید. معلمان موظفند دانش‌آموزان را در انجام تکالیف درسی راهنمایی نموده و در آنان انگیزش لازم را فراهم نمایند. این روش‌ها متعدد و متنوعند و دارای اثربخشی و کارایی متفاوتی هستند. لذا بررسی سبک‌های مدیریتی معلمان و میزان اثربخشی این سبک‌ها از اهمیت و ضرورت خاصی برخوردار خواهد بود.

ضرورت و اهمیت کاربردی بررسی مدیریت کلاس درس را می‌توان در شناسایی سبک‌های مدیریتی معلمان، نحوه‌ی سازمان‌دهی کلاس درس، جوّ یادگیری، میزان مهارت معلمان در ارائه‌ی تدریس، ارزشیابی و در نهایت شناسایی الگوها و مبانی انگیزشی دانش‌آموزان نسبت به‌انجام تکالیف درسی دانست. به‌عبارت بهتر ابعاد مختلف کلاس درس اعم از وظایف معلم که شامل مقدمات مدیریت (طراحی و سازمان‌دهی کلاس درس) رهبری و ایجاد جوّ یادگیری مناسب، مهارت در ارائه‌ی تدریس و کنترل ارزشیابی (مهارت در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی) است، مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد. هم‌چنین میزان اثربخشی مدیریت اداره‌ی کلاس و سبک‌های مدیریتی به‌کار گرفته شده مشخص می‌گردد. نتایج این پژوهش به‌مسئولان آموزش ضمن

خدمت و مراکز تربیت معلم کمک می‌نماید تا با برنامه‌ریزی‌ها، آموزش‌های مناسب و تشکیل کارگاه‌های آموزشی نسبت به‌بهبود سبک‌های مدیریتی معلمان اقدام نمایند.

منابع:

اچسون، ا.، کیت، و.، مردیت، دامین، گال. (۱۳۸۰). نظارت و راهنمایی تعلیماتی، کاربرد فنون کلینیکی در نظارت و راهنمایی، کارورزی و آموزش‌های پیش و ضمن خدمت. ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: نشر کمال تربیت.

اسپالدینگ، جریل. (۱۳۷۷). انگیزش در کلاس درس. (ترجمه‌ی محمدرضا نائیبان و اسماعیل بیابانگرد). تهران: مدرسه.

استیک، دیورا. (۱۳۸۱). انگیزش برای یادگیری (از نظریه تا عمل). ترجمه رمضان حسن‌زاده، نرجس عمومی. مشهد: دنیای پژوهش.

اندرسون، لورین، دلبو. افزایش اثربخشی معلمان در فرایند تدریس، ترجمه محمد امینی. تهران: مدرسه.

بلیک، راجرز، جین سریگی، موتن. (۱۳۵۱). شبکه مدیریت. ترجمه محمود توتونچیان. تهران: دانشگاه تهران.

تاپر، روبرت. (۱۳۷۹). الفبای مدیریت در کلاس درس، راهبردهایی برای آموزش اثربخش. ترجمه محمدرضا سرکارآرانی. تهران: مدرسه.

جویس، بروس، مارشال ویل، بوری شاورز. (۱۳۷۸). الگوهای جدید تدریس. ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: مترجم.

راگ، ادوارد کنراد. (۱۳۸۲). مدیریت کلاس در دبستان. ترجمه علیرضا کیامنش، کامران گنجی. تهران: رشد.

رئوفی، محمدحسین. (۱۳۷۷). مدیریت رفتار کلاسی (مهارت‌های آموزشی و پرورشی) مشهد. به‌نشر.

ری، دیوید. (۱۳۸۱). پژوهش در کلاسی درس. ترجمه محمدرضا سرکارآرانی، علیرضا مقدم. تهران: منادی تربیت.

هنسن، مارک. (۱۳۶۷). مدیریت آموزشی و رفتار سازمانی. ترجمه محمدعلی نائلی. اهواز: دانشگاه شهید چمران.

Black. A. E. & Deci. E.L (2000). The effects of instructions "outonomy supprt and students". Autonomous motivation on learning organic. U.S.A.

Wragg, E.C. (1989). clasroom teaching skills. London, Routledge falmer.

Wragg, E.C. (1999). An intoduction to classroom observation, second edition, NewYork. Routlege falmer.